

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری (علمی - پژوهشی)

دکتر عباس محمدیان^۱، مسلم رجیبی^۲

چکیده

حمید سبزواری یکی از شعرای برجسته و مشهوری است که شعرش بیانگر مشقت و رنج‌های دوران انقلاب اسلامی و نشان‌دهنده آلام درونی و دردهای دوران دفاع مقدس است که ملت ایران، آن مرارت‌ها را به جان و دل خریده و بار سنگین این گونه مصائب را بر دوش کشیده‌اند. در حقیقت، حمید سبزواری شاعری ملی و انقلابی است که مردم را در برابر ظلم و ستم می‌شوراند و آنان را تشویق به مبارزه و استقامت می‌کند و از کسانی که از کنار تباهی‌های رژیم منحوس پهلوی و جور رژیم بعث بی‌توجه می‌گذرند و سکوت اختیار کرده، خاموشی می‌گزینند، به انتقاد می‌پردازد. این شاعر نستوه و خستگی‌ناپذیر با به تصویر کشیدن شجاعت و شهادت ملی رنج کشیده به انتقاد از حکومت وقت و به افشاگری ظلم و ستم دشمن یعنی می‌پردازد. از اشعار حمید سبزواری چنین استنتاج می‌شود که وی، ضمن مبارزه و انتقاد، با هشدار در مورد بی‌توجهی‌ها و نیز دوری از تسامح نسبت به دشمن، عامل شکست در برابر متجاوزان را اختلاف و تفرقه دانسته و در هر جا که فرصت دست می‌داده، شور و شعور و احساسات مردم را بر می‌انگیخته است. این پژوهش با هدف نمایاندن جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های حمید سبزواری و با روش تحلیلی - توصیفی صورت گرفته تا در پایان بتوان جلوه‌های ادبیات پایداری را همچون ظلم - ستیزی، شهادت‌طلبی، مبارزه و جان‌فشانی، نقد حکام جور، به تصویر کشیدن جنایت‌های دشمن و ... در اشعار این شاعر انقلابی و ملی به وضوح دید.

واژه‌های کلیدی: حمید سبزواری، ادبیات پایداری، ظلم‌ستیزی، حکام جور، شهادت‌طلبی.

^۱ . دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

^۲ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

moslem.rajabi@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۱۲/۳

۱ - مقدمه

ادبیات مقاومت و پایداری یک گونه مهم ادبی است که در تمامی برهه‌ها کم‌وبیش حضور داشته است و اگر بخواهیم برای این نوع ادبی پیشینه و یا قدمتی دیرینه در نظر بگیریم، باید گفت که این نوع ارزشمند ادبی، سابقه‌ای به قدمت تمدن بشری دارد و در هر زمانی، متناسب با شرایط و موقعیت آن جلوه‌گر می‌شده است. در تعریف ادبیات پایداری گفته‌اند: «مجموعه آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و... شکل می‌گیرد؛ بنابراین، جان‌مایه این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (حسام پور، ۱۳۸۷: ۱۲۱)، «که برخی از این آثار پیش از رخ‌نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازد.» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۱) بیان ادیبانه این نوع آثار به حدی تأثیرگذار است که آن را به مراتب بالاتر از اثرگذاری سلاح و تفنگ در عرصه جنگ دانسته و گفته‌اند: «تأثیر سخن ادبیات مقاومت پیوسته ادامه دارد.» (حسین، ۱۹۷۲: ۱۲) ذات ادبیات پایداری، حقیقت‌خواهی و امید به آینده است و همواره فراروی خالق اثر و بطن متن ادبی وجود دارد (رحمان‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۶۶). نخستین جلوه‌های ادبیات پایداری را می‌توان در لفافه اسطوره‌ها و در پیچش چندین تو و لایه حماسه‌ها دید. روشن است که در ادبیات یونان باستان «مفهوم اسطوره، با جنگ خدایان با قهرمانان یا مصائب و سختی‌هایی که در برابر اقوام کهن گذاشته است گره خورده است.» (داد، ۱۳۸۳: ۳۴) در صدر اسلام نیز، ادبیات پایداری را در قصاید حضرت ابوطالب -علیه السلام- در ستایش و دفاع از وجود مقدس خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله -صلی الله علیه و آله و سلم- می‌توان به وضوح دید. «نخستین سروده‌ای که در تاریخ اسلام در صحنه نبرد ثبت شده است از آن حمزه سیدالشهداست. در جنگ‌ها و غزوه‌ها شاعرانی مانند حسان بن ثابت انصاری به ستایش یاران پیامبر -صلی الله علیه و آله اجمعین- و هجو و بدگویی دشمن می‌پرداختند (ایزدپناه، ۱۳۸۲: ۳۰۰). می‌توان «جامعه، پایداری و ادبیات را زوایای مثلث سه‌گانه زندگی انسان در

سده‌های حیات او بر کره زمین دانست.» (فضیلت، ۱۳۸۷: ۴۰۵) در چنین محیطی «این ادب، پیوسته با مردم می‌جوشد و می‌خروشد و با حالات و مناسبت‌های آنان در رویارویی با دشمنان همسو و همساز و با جزر و مدهای زندگی مردم همراهی دارد.» (آیین‌وند، ۱۳۷۳: ۱۴۱) بنابراین، «جان‌مایه این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.» (حسام پور، ۱۳۸۷: ۱۲۲) مسائلی همچون اختناق، استبداد داخلی، سبک آزادی‌های فردی و اجتماعی؛ استعمار و استثمار؛ غصب سرزمین و سرمایه‌های ملی و همچنین تجاوز به حریم ارزشی و ملی، برخی از زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات مقاومت شمرده می‌شوند (خضر، ۱۹۶۸: ۴۵). ادبیات پایداری بیانگر درد و رنج‌هایی است که در برهه‌های تاریخی بر ملت‌ها و یا بخشی از آنها می‌گذرد؛ لذا پیوسته نمایشگر اضداد است، مرگ را در برابر حیات و آزادی را در قبال اسارت مطرح می‌کند. در حقیقت، ادبیات پایداری به مخاطبانش می‌آموزد چگونه در برابر نظام‌های سلطه‌گر و مستبد ایستادگی کرد. (بصیری، ۱۳۷۶: ۲۰) لازم به ذکر است که شعرا در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که به عنوان مهم‌ترین مبلغان فرهنگی و راوی شکست‌ها و پیروزی‌ها بودند، به شعرشان رنگ و بوی خاص دادند؛ یعنی شعر اینان، آینه تمام‌نمایی برای تشویق و تهییج مخاطبان و دفاع از حریم وطن و مقاومت در برابر جور و ستم متجاوز شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، در این باره می‌فرماید:

«شعر دوران انقلاب، شعر زر و زور نیست؛ شعر احساسات سطحی و فردی و توجه به آرزوها و امیال حقیر بشری نیست؛ زبان یک ملت و شرح حال یک ملت است. انعکاسی از روح بزرگ جامعه‌ای است که یکپارچه در جهت هدف‌ها و آرمان‌های الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است؛ شعر هدفدار و سازنده مردمی است؛ شعر دربارها و میخانه‌ها و عشرتکده‌ها نیست؛ شعر صحنه عظیم جهاد و سیاست و انقلاب و جهان‌نگری است؛ شعر خدایی.» (سبزواری، ۱۳۶۸: ۶)

یکی از این شعرای انقلابی، حمید سبزوای است که شعرش در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و در ایام دفاع مقدس، شورانگیز و افتخارآفرین بود و در شعرش به انتقاد از دستگاه جور می‌پرداخت و همگان را علیه ظلم و ستم بر می‌انگیخت.

۱-۱- بیان مسئله

حمید سبزواری، شاعر متعهد، باورمند و انقلابی این سرزمین، از جمله شاعران ایرانی است که با عزمی استوار به ثبت مجاهدت‌های رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس پرداخت و آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت. بر ماست که با استفاده از آثار این بزرگان، گوشه‌هایی از تاریخ سرشار از افتخار و ایثار کشورمان را در عرصه نمایش نسل جوان انقلاب بگذاریم. نگارندگان این مقاله در همین راستا کوشیده‌اند که از خلال آثار حمید سبزواری جلوه‌هایی از ادبیات پایداری مردم ایران را نشان دهند و در حد بضاعت خویش، گوشه‌ای از دین خود را به انقلاب اسلامی ادا کنند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

اگر چه درباره ادبیات پایداری، تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای صورت گرفته است؛ ولی هنوز جای پژوهش‌های بسیاری باقی مانده که باید انجام شود. برخی از کارهای علمی انجام شده بدین شرح است:

سلیمی، علی؛ چقازردی، اکرم. (۱۳۸۸). نمادهای پایداری در شعر معاصر مصر. نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان/ نجاریان، محمدرضا. (۱۳۸۸). بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش. نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان/ حجازی، بهجت‌السادات؛ رحیمی، فائزه. (۱۳۸۹). جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر ایلیا ابوماضی. لسان مبین / طاهری خسروشاهی، محمد. (۱۳۹۰). ادبیات پایداری در شعر دوره قاجار. نشریه مطالعات ملی / آل بویه لنگرودی، عبدالعلی. (۱۳۹۰). جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان/ حیدریان شهری، احمدرضا؛ تصدیقی، ندا. (۱۳۹۰). خوانش

تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر ایران و فلسطین. نقد و ادبیات تطبیقی / محسنی نیا، ناصر؛ میرزایی، رضا. (۱۳۹۲). جلوه‌های پایداری در شعر احمد صافی نجفی، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان و ... ولی نگارندگان این مقاله تاکنون پژوهشی را که به بحث و بررسی اشعار حمید سبزواری از دیدگاه ادبیات پایداری پرداخته باشد، ندیده‌اند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجا که ادبیات پایداری، بسته به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی هر دوره و در هر برهه از زمان، مطابق شرایط و احوال همان زمان و در قالب‌های گوناگون در شعر و نثر بزرگان ادبیات جلوه گر شده، این پژوهش با هدف نمایاندن جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری صورت گرفته است؛ زیرا مطالعه اشعار استاد سبزواری از دیدگاه ادبیات پایداری می‌تواند در برانگیختن روح ادبیات پایداری و نیز آشناساختن مخاطبان، به ویژه ادب‌پژوهان و نسل جوان با پیام آن، نقش بسیار مهمی را ایفا کند و زمینه‌های وحدت و همدلی را در میان جامعه بیش از پیش آشکار سازد و الگوهای ایثار، ایمان، شهامت و شجاعت را برای نسل کنونی معرفی کند.

۲- بحث

حسین ممتحنی، متخلص به حمید و مشهور به حمید سبزواری در سال ۱۳۰۴هـ. ش. در شهر سبزواری متولد شد. پدرش، عبدالوهاب، با وجود نابینایی و پدر بزرگش ملا محمد صادق ممتحنی هر دو اهل شعر و ادب بودند و خود قریحه شعر و شاعری داشتند. حمید سبزواری اصول و فنون شاعری را از پدر خود آموخت. در همان عنفوان کودکی و اوان دولت زندگانی در ماه محرمی جریان شهادت حضرت علی اصغر - علیه السلام - را به شعر در آورد و بسیار مورد تشویق پدر قرار گرفت. از این زمان، شعر گفتن را به‌طور جدی آغاز نمود و در همان بدایت راه شعر و شاعری، به دلیل روحیه آزادگی و ظلم‌ستیزی که داشت، به مبارزه با رژیم منحوس پهلوی پرداخت و طبع شعری و قریحه سرشار شاعریش

را در این مسیر بیش از پیش به کار برد و مضامینی شورانگیز به تصویر کشید که همگان را به مبارزه ترغیب می‌کرد. هنوز چیزی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که حمله عراق به ایران شروع شد. در این دوره که عرصه رشد و بالندگی شعر و ادب و فرهنگ بود، با شروع جنگ، شعر به سمت حماسه گرایش پیدا کرد، شاعران متعهد و باورمند به انقلاب اسلامی کوشیدند تا با استفاده از حربه بران شعر و سخن منظوم روح حماسی و پهلوانی را در کالبد جامعه بدمند و مردم را برای دفاع از کیان ملی و دینی کشور تهییج کنند. حمید سبزواری به سبب روحیه انقلابی و به پشتوانه سوابق مبارزاتی و مذهبی خود در پیش از انقلاب و حضور چندین باره در جبهه‌های جنگ، بیش و پیش از همه به سرودن اشعار حماسی متناسب با جنگ و دفاع روی آورد؛ به همین سبب، اشعار او از بهترین نمونه‌های ادب پایداری به شمار می‌رود.

بدون شک، استاد حمید سبزواری یکی از شعرای موفق و نام‌آور معاصر ایران است که در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اشعارش برانگیزاننده شور و شعور، و تهییج‌کننده احساسات و عواطف پاک و پرشور مردم انقلابی و مقاوم ایران بود. ایشان به وسیله قریحه سرشار شاعری و ذوق موسیقایی، اشعاری سرود که جاودانه و ماندگار شد؛ مانند سروده‌های «خمینی ای امام، خمینی ای امام»، «ای مجاهد، ای مظهر شرف» و یا شعر ماندگار «از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما» و ... به هر حال، سبزواری از زمره شعرایی است که اندیشه را فدای لفظ نکرده و هیچ‌گاه از مضمون غافل نشده است. در این میان، برای ارائه مفاهیمی با معنای پایداری، به شایستگی توانست از زبان خراسانی که ارتباط تنگاتنگی با شعار دارد، استفاده کند (ابراهیمی و شادمهر، ۱۳۸۹: ۶۴). سبزواری برای تهییج مردم و شوراندن آنان علیه رژیم طاغوت و دشمنان بعثی، از اوزان حماسی و رزمی استفاده می‌کند تا بر آهنگ کلامش بیفزاید و با این شور حماسی بتواند مردم را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل فرا خواند:

دریا دلان دریادلان من موج خارا افکنم کوهم که از استادگی هرگز نمی‌لرزد تنم

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۸۱)

ناگفته نماند که سبزواری سعی دارد با برگزیدن اوزان حماسی، واژگانی را انتخاب کند که هر کدام نماد ایستادگی و مقاومت و سمبل پایداری و مبارزه‌اند و یا کلماتی که در رزم و متون حماسی به کار می‌رود، آنها را در اشعار خویش می‌گنجاند:

چون چشمه جوشانم نگر، چون مهر رخشانم نگر

بحر خروشانم نگر، خشم آگن و بنیان کنم (همان، ۱۳۶۸: ۱۸۱)

از جمله آثار سبزواری می‌توان به کتب «سرود درد»، «سرود سپیده»، «کاروان سپیده»، «یاد یاران»، «به رنگ دشمن آمده»، «سرودی دیگر» و ... اشاره کرد. برخی از جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر حمید سبزواری به شرح ذیل است:

۲ - ۱- پایداری و استقامت

یکی از جلوه‌های شعر پایداری، اشعاری است که مقاومت و ایستادگی ملت را در برابر هجوم فتنه‌ها و یورش تباهی‌ها به تصویر می‌کشد. در اشعار حمید سبزواری از این نوع اشعار نمونه‌هایی پیدا می‌شود. در دوران رژیم ستمشاهی که به قول سبزواری، اهریمن کینه‌ای دیرینه داشت و آثار خشم آتشین در چهره کربش دیده می‌شد، مردمانی مقاوم و نستوه، یکپارچه و یکصدا، گلبانگ توحید و وحدت را سر می‌دهند که طنینش خواب و آرامش را از دژخیمان گرفته بود. استقامت و پایداری آن روزگاران چنین در شعر حمید سبزواری ترسیم شده است:

در ظلام شب خروش بام‌ها لرزه می‌افکند براندام‌ها

نغمه الله اکبر می‌ربود خواب نوشین از سر خود کام‌ها

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱)

چنانکه ملاحظه می‌شود، استقامت و پایداری در شعر وی به گونه‌ای ترسیم شده که همه مردم متحد و همصدا با هم پیوند مقاومت و پیمان پایداری بسته‌اند و در برابر دشمن خود کامه، به‌طور مداوم، حتی در ظلام شب دست‌بردار نیستند و با زانوانی استوار سینه سپر کرده، هیچگاه راه را از رهروان و پایداران خالی نمی‌گذارند.

۲-۲- اختتام فرصت برای پایداری و نبرد

در اشعار پایداری و مقاومت، می‌توان غنیمت شمردن وقت و استفاده از فرصت‌های محدود را به وضوح دید. در عرصه‌ای که جای درنگ و تأمل را بر نمی‌تابد، باید از کوچک‌ترین فرصتی برای پایداری استفاده کرد. سبزواری هم از این نکته غفلت نکرده است و در غالب اشعارش همگان را به غنیمت شمردن وقت فرامی‌خواند. وی حتی چنان فرصت را تنگ می‌داند که دم از گفتار مطول و بیان مفصل فرومی‌بندد و همگان را این گونه به پیکار فرا می‌خواند:

تیغ بر آرید تیغ، فرصت گفتار نیست موسم رزم است رزم، وقت دگر کار نیست
تنگ ببندید تنگ، رزم گران را میان هر که زبونی کند در خور پیکار نیست
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۸۲)

چنان که ملاحظه می‌شود، سبزواری در این گونه از اشعار، هرگونه تعلل و درنگ را روا نمی‌داند و گویا همین غنیمت شمردن وقت، یعنی غنیمت دانستن هنگامه رزم را در زمره پیکار و نبرد و پایداری دانسته که گفته است هر کسی از این قضیه روی برتابد «در خور پیکار نیست». وی در ورای این ابن‌الوقتی، همگان را به نبردی بی‌امان و مقاومتی جانانه دعوت می‌کند؛ چرا که ننگی از این بیشتر را نمی‌تواند تحمل کند. پس این گونه هوشیارانه و شورانگیز، همگان را به پایداری و نبرد فرامی‌خواند:

گاه سفر آمد نه هنگام درنگ است چاوش می‌گوید که مارا وقت تنگ است
گاه سفر آمد برادر گام بردار چشم از هوس، از خورد، از آرام بردار
(همان، ۱۳۶۸: ۵)

شاعر گویی می‌خواهد با تکرار واژه «گاه سفر» تنگی وقت را برای رزمندگان به تصویر بکشد تا همگان کمر به تدارک نبرد ببندند. او بر این باور است که برای رسیدن به پیروزی، رزمندگان باید از تن‌پروری و آرامش دست‌بردارند و از فرصت‌ها نهایت استفاده را ببرند.

۲-۳- تجلیل از مجاهدان

ستایش از همت و تلاش و جان فشانی‌های مجاهدان در راه خدا هم یکی دیگر از نموده‌های بارز ادبیات پایداری است. سبزواری در بیشتر اشعارش مقام بلند و همت متعالی مجاهدان در راه خدا را ارج می‌نهد و پیوسته آنان را در اشعارش مورد تمجید قرار می‌دهد:

پشت ستم می‌شکند قدرت پیکار شما زهره زهم می‌گسلد غرّش رگبار شما

غنچه تکبیر شما تا که به لب می‌شکفتد نغمه زند مرغ دل از لذت گفتار شما
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۴۳)

وی سختی‌های مجاهده و مرارت‌های مخاصمه با دشمن را چنان در اشعارش زیبا ترسیم می‌کند که دل هر مبارزی را به قیام و جنگ علیه دشمن بر می‌انگیزاند. ورطه نزدیک است / و سلامت را فرصتی باریک / راه بسی دشوار و طولانی است / شوق مقصد و شکوه لحظه دیدار / رهروان را توشه راه باد / بیم طوفان مبادا باز دارد بازوان از کار / هیچ‌نومیدی مبادت از هجوم موج / لطمه‌ها هر چند سنگین است / سینه بر دریا زدن دریا دلان را نیز / شیرین است (همان: ۲۱).

۲-۴- نقد حاکمان بیداد و ابراز انزجار

هیچ‌ادب پایداری را نمی‌توان عاری از نقد حکام جور و خالی از اشعار افشاگرانه چهره کریمه ظلم و ستم دید. سبزواری همچون دیگر شعرای عرصه پایداری و مقاومت، به نقد ظلم و ستم حاکمان بیداد می‌پردازد و از افشا کردن کارهای ننگین آنان هیچ‌گونه پروایی ندارد. وی در فتح‌نامه‌ای این گونه چهره کریمه دشمن بعثی را ترسیم می‌کند و اصل و نسب وی را بدین‌سان سخیف و پست جلوه می‌دهد:

نامرد مردی از تبار سفله خیمان نامردمی را بسته با ابلیس پیمان...
شیر خیانت مادرش در کام کرده نامش به فرمان قضا صدام کرده
بازش به دامان خبثت پروریده تکریتیان را ننگ دیگر آفریده

(همان، ۱۳۶۸: ۱۷۰)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، ریشه و تبار صدام را به فرومایگان رسانیده و وی را مجموع تمام خباثت‌ها و پلیدی‌ها معرفی کرده است. دشمنی که شیرابه خیانت‌ها را مکیده و مترشح به تمامی معایب اخلاقی گشته است. توصیفاتش از حکام جور به گونه‌ای است که به وضوح می‌توان به بدنهادی و کژطبعی آنان پی برد، عباراتی همچون «عقرب‌زبانی مار طبعی گرگ‌زادی» ترکیباتی است که ابراز انزجار این شاعر انقلابی و ملی را از خصم بدمنش نشان می‌دهد.

۲-۵- ذکر جنایت‌های دشمن

سبزواری همچون دیگر شعرای ادبیات پایداری، به ذکر جنایت‌ها و ستمکاری‌های دشمن بد طینت می‌پردازد و پرده از روی کارشان بر می‌اندازد. وی دشمن بعثی را «ننگ عرب، دیو بدکار، فرمان‌پذیر شرق و غرب و آدم‌خوار» خوانده که بر محو قرآن کمر بسته است. در جای دیگر هم دژخیمان را ابلیس دوران خوانده و صدام را مأمور دزدیدن گوهر ایمان و تقوای مؤمنان دانسته است.

از هر کران نقش خیانت آشکار است انگشت ابلیس زمان هر سو به کار است
(همان، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

اعمالی نظیر «تیغ برکشیدن، خنجر به قصد حنجر، پیشه کردن رسم نفاق و کفر، خون همگان را در شیشه کردن، سرکشی با احکام الهی، عهدشکنی با ولی، دل بستن بر بیگانگان، آتش به جان همگان کردن و ...» گوشه‌ای از جنایات دشمن بعثی بود که حمید سبزواری در اشعار خویش با استادی هرچه تمام‌تر به افشاگری این اعمال ننگین و خونین ستمگران و حکام جور پرداخته بود.

۲-۶- عدم سازش با دشمن

از دیگر جلوه‌های ادبیات پایداری، عدم سازش و مدارا با دشمن خونخوار است. سبزواری هم در برخی از اشعارش با خصم بدمنش مجادله می‌کند و هیچ‌گاه سر سازگاری با وی ندارد و روی خوش به او نشان نمی‌دهد:

ای خصم امان خورد و خوابت ندهیم تا از دم تیغ تشنه آبت ندهیم
از صلح مگو سخن که در پهنه رزم جز برق سلاح خود جوابت ندهیم
(همان، ۱۳۶۸: ۴۳۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سخنان دندان‌شکن شاعر چنان است که می‌توان نهایت خشم و غضب وی را از خصم ددمنش در اشعارش به وضوح مشاهده کرد. واژگانی که در این ابیات بر می‌گزیند، غالباً حماسی است و صحنه‌ای که در آن به تصویر می‌کشد، صحنه رزم و پیکار است و عرصه تیغ و سلاح. ابیات زیر، نمونه‌ای است از آشتی‌ناپذیری و عدم سازش با کفر و دشمن:

خوش‌نشینان ساحل بدانند تا که دریاست و این شور و حال است
چشم سازش ز دریا ندارند سازش موج و ساحل محال است
(همان، ۱۳۶۸: ۲۲۲)

او که بحری موج و دریایی متلاطم است، هیچ‌گاه سر سازش با ساحل و ساحل‌نشینان مرفه را ندارد و به تعبیری این امر را محال می‌شمارد. پس قاطعانه می‌گوید که دل به آرامش سازش نبندند؛ چرا که به هیچ‌روی ذوق آسایشی در این کار نیست.

۲-۲- امید به رستگاری و آزادی

یکی از وظایف هنرمند و شاعر متعهد در برهه‌های سخت تاریخ یک ملت، دمیدن روح نشاط و مبارزه با ناامیدی و ترسیم آینده‌ای روشن و سرشار از موفقیت است. در اشعار پرشور سبزواری می‌توان اشعاری از این دست را مشاهده کرد. در این گونه اشعار، ظلم و ستم به شی‌جانگرای تشبیه شده که رو به پایان است و فجر آزادی و سپیده‌رهای بردمیده است:

قسم به فجر که پیغام آور سحر است نشان که شب به بستریلدای خویش محضراست
مرگ ز سیمای او عیان بینم نفس به سینۀ پر کینه‌اش گران بینم
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۴۴ و ۲۲۶)

در کلام سبزواری ظلم و بیداد اگر چه در سیاهی و بلندی به مثابه شب یلدا سخت طاقت فرساست؛ اما شاعر به محتضری می ماند که از حیاتش جز اندک زمانی باقی نمانده و در این زمان کوتاه، مشتاق دیدن سپیده پیروزی است؛ حتی در ظلمت شبها، دیده بر سپیده رهایی می دوزد و چنین مشتاقانه می سراید:

شبی که در دل آن شب سپیده می روید مرا امید رهایی به دیده می روید
نشید مرغ که پیغام صبح روشن داشت ز تار حنجره خون چکیده می روید
(همان، ۱۳۶۸: ۲۰۵)

در ابیات فوق به خوبی می توان شور و شعف شاعر را از جلوه فروغ رهایی و مزده آزادی دریافت؛ زیرا گزیده های جور، دچار جنون گشته اند و واویلا ی شب دهشتناک، خبر خوش آزادی را به ارمغان می آورد.

۲-۸- ولایت مداری

در ادبیات پایداری پس از انقلاب اسلامی، همیشه حضور رهبری مقتدر و بیدار دل به ملاحظه می شود که شاعر، همنا با وی، پیام پایداری و مقاومت را به گوش همگان می رساند. سبزواری در اشعاری که درباره دفاع مقدس سروده است از حضرت امام خمینی^(ره) بارها و بارها سخن به میان می آورد و از سر صدق و صفا مقام شامخ ایشان را می ستاید:

نوح آمده نوح آمده، بر جسم ما روح آمده تا کشتی ما را برد سوی کنار دیگری
آمد ز نسل بوالحسن، کافر شکاری بت شکن مرحب شکن، خیر فکن، خنجر گذار دیگری
افتادگان را یآوری آزادگان را سروری شیروازنان را صفدری با ذوالفقار دیگری
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۸۷)

او با ولیّ امر خویش پیمانی ناگسستنی دارد و عهد می بندد که هیچ گاه گرفتار دام دنیوی و حطام اندک ناچیز آن نگردد:

عزم دارم نشکنم پیمان خود را با رسول عهد بستم نگسلم پیوند جان را از امام
پای بندم تا به حفظ خون یاران وطن جلوه‌های عافیت بر من نگردد پای دام
(همان، ۱۳۶۸: ۲۹۹)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، اگر فرمانی هست، فرمان پایداری و مقاومت و جهاد است. در ابیات فوق می‌توان سر سپردگی بی‌چون و چرای ملتی مقاوم را در برابر اهریمنی متجاوز دید که چه‌سان گوش به فرمان ولیّ خویش، بر مرکب استقامت محمل بر می‌بندند و مقاومت می‌کنند.

حکم جلودار است بر هامون بتازید هامون اگر دریا شود از خون بتازید
فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد گو بیارد نیست دشوار
(همان، ۱۳۶۸: ۸)

سبزواری با آراستن کلام خویش به فرمان دُرربار حضرت امام خمینی^(ره) خواسته است اشعارش را شوری دو چندان و حلاوتی دیگر ببخشد تا هم تأثیر سخنش افزون گردد، هم عموم مردم با ندای لَبیک سردادن به فرمان ولیّ، کمر همّت به پایداری و پایمردی و دفاع از دین و آیین و میهن بندند.

۲-۹- ظلم‌ستیزی تا سر حدّ جانبازی

ایثار و جان‌فشانی، همچنین ظلم‌ستیزی، بارزترین جلوه‌ ادبیات پایداری است که در آن، شاعر سعی می‌کند تا حدّ امکان با ظلم و ستم حکام بیداد بستیزد و در این راه لحظه‌ای از پای ننشیند. حمید سبزواری یکی از شعرای توانمندی است که در جریان انقلاب و دفاع مقدّس می‌تواند به عنوان یکی از شعرای سردمدار و پیشاهنگ این نوع ادبی محسوب شود. طبع لطیف و دل‌نازک این شاعر انقلابی و آگاهی او از زمان و مردم و جامعه باعث می‌شود تا نتواند کوچک‌ترین ظلم و ستمی را برتابد؛ لذا چنین دردمندانه می‌سراید:

درد ها دارد دلم ای دردمندان چاره‌ای از دردها درمان پذیرد گر به درمان بنگرید
پیشانی است هر دردی که دامن گیر ماست خودبه‌سامان کی رسد کارار پریشان بنگرید
(همان، ۱۳۶۸: ۲۵۱)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، وی در کنار این ظلم‌ستیزی‌ها، دست از ترغیب و تشویق مردم به داد‌خواهی و مقاومت برنمی‌دارد و به آنان گوشزد می‌کند که مردانه قامت برافرازند و قیام کنند و از پریشانی‌ها و کدورت‌ها بپرهیزند تا بتوانند داد از دشمن دیرینه بستانند.

در برخی از اشعارش خطاب به کم‌خردان نازپرورد و آنان که سر سازگاری با ستمگران دارند و وقعی به مظلومان نمی‌نهند و آنان را یاری نمی‌کنند، چنین ملامت‌گرانه می‌سراید:

مرز ایران جای مردان خداست نی‌سرای سفلگان هرزه لاست
گوهمه غوکان از این دریا روند هر کجا خواب و خور است آن جاروند
(همان، ۱۳۶۸: ۲۵۷)

در حقیقت شاعر، بی‌اعتنا و بی‌توجه عبور کردن از کنار بیداد ستمگران و عدم یاری-رسانی به مظلومان را هم نوعی ظلم می‌داند که با آن هم در ستیز است و هیچ‌گاه نمی‌تواند این درد را تحمل کند.

۲-۱۰-۱- انتقاد از پریشانی جامعه

نگرانی از وضع پریشان جامعه، دل‌دردمند شاعر پایداری را سخت به درد می‌آورد؛ لذا گاه در اشعارش می‌موید و از این اجتماع نابسامانی که در اثر ظلم و ستم مکدر شده است، دردمندانه شکوی سر می‌دهد. انتقاد سبزواری از وضع موجود جامعه به دلایل ذیل است:

۲-۱۰-۱- ناآگاهی مردم

در طول تاریخ، غفلت مردم یکی از علل اساسی شکست‌ها و ناکامی‌های جامعه به شمار می‌رود که شاعر دردمند ما به خوبی به این مسئله اصلی و اساسی وقوف دارد:

تاراج و باج و فتنه را گردن نهادیم خفتیم غافل‌خانه بر دشمن نهادیم

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۶)

۲-۱۰-۲- هشدار در مورد بی‌توجهی‌ها و تسامح نسبت به دشمن

سبزواری گاه از تسامح و آسان‌گیری و بی‌توجهی برخی از افراد جامعه نسبت به ترندهای دشمن در مورد به خواب غفلت بردن مردم و بی‌اعتنا کردن آنان نسبت به ارزش‌های دینی و ملی می‌نالند و هشدار می‌دهد که باید از خور و خواب و وابستگی‌ها و زرق و برق‌های دنیوی کاست و به هویت دینی و ملی و خودآگاهی بازگشت؛ لذا بسیار امیدوار است که این جمعیت دلمرده از عالم برون راه به دنیای درون برده، از خواب غفلت بیدار شوند:

باور مکن افسانه افسونگران را همراه باید شد در این ره کاروان را
باور مکن امید دیدار حرم نیست گامی فرانہ تا حرم جز یک قدم نیست

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۷)

۲-۱۰-۳- پرهیز از ظاهربینی

یکی دیگر از انتقادهای بجا و سازنده این شاعر دل‌آگاه از ظاهربین بودن مردم و دل‌سپردن به زخارف دنیوی است که دل‌دردمندش را سخت آزرده است:

در عظمت اهرام ثلاث میندیش / از عظیم تازیانه‌ها یاد کن / هنگامی که پیکر نحیف بردگانش آماج بود / فرعون را چه می‌شد اگر کاخی از دل‌ها می‌داشت / و نه بر دل‌ها

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۱)

۲-۱۰-۴- نفاق

دو رویی و نفاق در هر جنگ و جهادی، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره ملت‌ها وارد ساخته که گویا سبزواری با اشاره به نفاق دست‌نشانده‌های خارجی و دو رویی دشمنان بعثی، به نقد این موضوع مهم می‌پردازد و تمام بدبختی‌های ملت ایران را در دفاع مقدس از این ناحیه می‌داند:

مبادا آن نهال نفاق پا گیرد
 خط تغافل دل‌های آشنا با هم
 که هر چه شرط کرامت بود زما گیرد
 شراره‌ای است که دامان آشنا گیرد
 (سبزواری، ۱۳۸۸: ۲۵)

۲-۱۰-۵- اختلاف؛ عامل شکست در برابر دشمن

یکی دیگر از مواردی که شاعر انقلابی آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد و بر این باور است که این موضوع صدمات جبران‌ناپذیری بر ملت وارد ساخت و از آن طرف دشمنان توانستند به کام دل خویش برسند، دوری از وحدت کلمه و اختلاف نظر است:

دیوارها به فاصله در میان ماست خط زخم
 آن زمان رسید که دل همدمی ندید
 دور زمان به کام دل دشمنان ماست زین مرز
 اختلاف که پیدا میان ماست
 (سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۹۲)

شاعر سعی دارد با گوشزد کردن موارد فوق، فطرت مردم را بیدار سازد و آنان را به نبردی بی‌امان و مقاومتی خستگی‌ناپذیر در برابر بیداد دشمن فرا خواند.

۲-۱۱- شهادت‌طلبی

شهادت‌طلبی یکی دیگر از نمودهای بارز ادبیات پایداری است. سبزواری که خود روزگاری را در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به سر برده، در مورد جایگاه رفیع شهادت و شهادت‌طلبی این گونه می‌سراید:

به کوی دوست سرو جان به باد باید داد
 فنون عشق به فرهاد باید داد مرز اختلاف
 (سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۰۸)

در اشعاری چنین، از شمیم خوش شهید و شهادت سرخوش می‌شود و با شور و شوق و طرب می‌گوید:

بوی یاس سپید می‌شنوم
 عطر جان عطر جبهه عطر عروج
 عطر خون شهید می‌شنوم
 از دیاری بعید می‌شنوم
 (سبزواری، ۱۳۷۹: ۳۵)

و آن گاه با نگاهی به ماجرای شهادت مولا علی بن ابی طالب - علیه السّلام - این گونه

سرخ‌ی شهادت را زیب و زینت هستی می‌داند:

اینک عظمت را در نهج البلاغه بیازمای / که از علی دفتری و مقبری به جاست
هر یک به فراخور جهان / اگر علی را در نیم شبان کوچه‌های تاریک کوفه نیافتی
صبحگاهان در محراب خونین بجوی / که افق را صبحدمان سرخی باید / و گلگونه شاید (سبزواری،
۱۳۶۸: ۱۲)

با عشق و ارادتی که به حضرات معصومین - علیهم السّلام - دارد این گونه چهره
شهادت را در کلام رنگین خویش می‌آراید. گویی می‌خواهد همگان با تأسی به مقام شامخ
مولا علی بن ابی طالب - علیه السّلام - و در اقتدا به آن امام همام «عند ربهم یرزقون: عمران /
۱۶۹» گردند و در محراب خون سر به سجود گذارند:

لیلی ما زین صفت دل‌داده مجنون می‌پسندد
جامه گلگون، چهره گلگون، دیده گلگون می‌پسندد
رهروان عشق را آشفته در خون می‌پسندد
سینه‌ها را در تلاطم هم چو جیحون می‌پسندد...
هر کجابت بینی و بتواره یابی سرنگون کن
رجم شیطان کن لوای اهرمن را باژگون کن
پنجه با دشمن در افکن صف شکن همت فزون کن
غوطه در دریای خون زن، سجده در محراب خون کن

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۸)

لذا بر این باور است که نباید ذره‌ای هراس به دل راه داد و تن و جان خویش را در برابر
دشمن سپر ساخت. پس دلسوزانه می‌سراید و نوستالژی‌وار می‌موید که نباید میراث ماندگار
را به سادگی از کف داد:

از خون شقایق‌ها گلگون شده دامان‌ها
رهروان عشق را آشفته در خون می‌پسندد
وقت است بیفشانیم خونابه ز مژگان‌ها
میراث شهیدان را هرگز ندهیم از کف
اندوه چمن دارم افسوس دمن دارم
کاین شیوه به نام ما ثبت است به بستان‌ها

(ابراهیمی و شادمهر، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

در حقیقت وی از دیگران می‌خواهد که حرمت خون شهیدان را همواره پاس دارند و از صدمات جبران ناپذیر بی‌توجهی به خون شهیدان جلوگیری کنند.

مباد خون شهیدان را و دین پامال که زیر چکمه شود پنهان زمین پامال
بر آن سرند که ما را ز پا دراندازند مگر ز قاهره سازند تا به چین پامال
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۲۹)

گویا در کلام این شاعر انقلابی این حقیقت موج می‌زند که عدم احترام به خون شهدا، انسان را از اصل خویش دور می‌کند و چپاولگران را بر هستی و زندگی آدمی مسلط می‌گرداند؛ لذا همین پاس داشتن خون شهدا نوعی پایداری و مقاومت به حساب می‌آید.

۲- ۱۲- ستایش فتح و ظفر

از نمودهای دیگر ادبیات پایداری می‌توان به موضوع ظفر و پیروزی اشاره کرد. ابیاتی که ضمن ستودن و اظهار غرور از پیروزی، اشاراتی هم به نبردهای سخت و بی‌امان داشته‌است. سبزواری در این مورد چنین می‌سراید:

صبح صادق قدرت کاذب شکست رشته‌های دام اهریمن گسست
اهرم آسیمه از میدان گریخت تا کجا افتد گریانش به دست
(سبزواری، ۱۳۸۸: ۳)

چنان که مشاهده می‌شود، پیروزی در کلام سبزواری، بهاری نوین است که در آن هر فردی طربناکانه از آزادی می‌گوید و شادمانه در دولت بیدار گل از فتح و ظفر سخن‌ها بر زبان می‌آورد. وی به‌طور پوشیده و پنهان و رمزگونه، حکومت جور و ستم را به خزانگی دل‌گیر و بی‌روح مانند کرده که با مقاومت و پایداری مردم، خزان بیداد به بهار دل‌انگیز و روح پرور فتح و پیروزی مبدل شده است.

۲- ۱۳- وطن پرستی

یکی از موضوعات مورد بحث در شعر پایداری وطن پرستی و میهن پرستی است. در شعر دفاع مقدس، میهن دوستی و وطن پرستی سابقه‌ای دیرینه دارد. «تطابق اندیشه‌های

ملّی و دینی با طرح روایت «حبّ الوطن من الایمان» قول شارح مقدّس و دین اسلام سبب شد، تا ایرانیان دمیر چشم‌انداز عشق به میهن آرمان‌های دینی را مدّ نظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸). سبزواری از زمره شاعرانی است که می‌توان جلوه‌هایی از میهن-دوستی را در شعرش به وضوح دید. در شعری با عنوان «رزمی با سلاح قلم» این گونه عاشقانه از وطنش می‌گوید:

رنج خسان پذیرم و کتمان کنم	تا کی شکیب با غم دوران کنم
تا کی عیان بینم و پنهان کنم	جوق ددان به کسوت دانشوران
وز ناکسان تحمّل پنهان کنم	از چند بی‌وطن به وطن خورم

(سبزواری، ۱۳۸۸: ۱۱)

در جای دیگر، این گونه آرزوی نیک‌بختی برای میهنش دارد و چنین برای او دعای خیر و نیکی می‌کند:

آه ای ایران من دریای من	ای خروش انگیز و توفان زای من
تا جهان بر پاست توفان خیز باش	سرکش و جوشان و موج انگیز باش
آن نهنگانی که بر خون تواند	زنده از توفان و طغیان تواند
بر تن خود کامگان شلاق زن	برق غیرت بر همه آفاق زن

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۷۴)

او همواره از ایران و وطن سخن می‌گوید و از جان و دل به آن عشق می‌ورزد، و هیچ‌گاه از ظلم‌ستیزی دست برنمی‌دارد و با به‌کاربردن مجاز با علاقه حال و محل، از مردمان ایران می‌خواهد تا بر خود کامگان بتازند و مثل همیشه موج‌انگیز و توفان‌خیز باشند. در حقیقت، این چیزی جز اشاعه فرهنگ پایداری و مقاومت نمی‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، می‌توان در دفاتر شعر استاد سبزواری بسیاری از جلوه‌های ادبیات پایداری و مقاومت را به وضوح دید که چگونه این شاعر ملّی و انقلابی درباره انقلاب و دفاع مقدّس داد سخن داده و ارزش‌های والای مقاومت و پایداری را ستوده است. تأمل و تفکر

در هر یک از این اشعار می‌تواند حقایق انقلاب و دفاع مقدس را برای همگان آشکار سازد و مخاطب را بیش از پیش به این حقایق الهی و آرمان‌های انقلاب پای‌بند گرداند.

۳- نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری و مقاومت چنان از گستره و سیطره وسیعی برخوردار است که با ویژگی‌های متنوع و متعدّدش هنوز به خوبی تبیین نشده است و پژوهش‌های بسیاری را در این زمینه می‌طلبد. در این راستا بررسی اشعار شعرای انقلابی و کندوکاو دفاتر شعری شعرای دوران دفاع مقدس می‌تواند شناخت بهتر و بیشتر این جریان ادبی را در پی داشته باشد. حمید سبزواری یکی از شعرای ملی و انقلابی است که غالب اشعارش از رنگ و بوی انقلاب و دفاع مقدس برخوردار است. از مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار وی می‌توان به ظلم‌ستیزی، شهادت‌طلبی، مبارزه و جان‌فشانی در راه هدف مقدس، نقد حکام جور، ابراز انزجار از دشمن، انتقاد از اوضاع پریشان، امید به پیروزی و رستگاری حقیقی و... اشاره کرد. وی معتقد است که دورویی و نفاق در هر جنگ و جهادی، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره ملت‌ها وارد ساخته؛ لذا ضمن تبیین این مسئله، مردم را از تفرقه و نیز تسامح نسبت به دشمن برحذر داشته و آنان را به نبردی بی‌امان و مقاومتی خستگی‌ناپذیر در برابر پیداد دشمن فرا خوانده است. اشعار سبزواری می‌تواند به عنوان نمونه بارز و الگوی عالی ادبیات پایداری و مقاومت به شمار آید که خواندن هر یک از این اشعار می‌تواند مخاطب را در جهت پی‌بردن به ارزش‌های والای انقلاب و دفاع مقدس یاری رساند و جلوه‌های تازه و بدیعی از ادبیات مقاومت و پایداری را برای خوانندگان ترسیم کند و دقایق و حقایق ارزنده‌ای را به ارمغان بیاورد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیینہ وند، صادق. (۱۳۷۳). پژوهش‌هایی در تاریخ و ادب. تهران: اطلاعات.
۳. ابراهیمی، فاطمه و شادمهر، فریبا. (۱۳۸۹). از سبزواری تا سرزمین رؤیا. تهران: سروۀ مهر.
۴. ایزدپناه، عباس. (۱۳۸۲). خاستگاه و سبک‌شناسی ادبیات مقاومت. تهران: حضور، شماره ۲۸.
۵. بصیری، محمد صادق. (۱۳۷۶). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۳۲۰. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۶. خضر، عباس. (۱۹۶۸). ادب‌المقاومه. مصر: دارالکتاب العربی.
۷. حسام‌پور، سعید و حاجبی، احمد. (۱۳۸۷). شعر ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. حسین، قصی. (۱۹۷۲). الموت و الحیاه فی شعرالمقاومه. بیروت: دارالرائد العربی.
۹. داد، سیما. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
۱۰. سبزواری، حمید. (۱۳۶۷). سرود درد. تهران: کیهان.
۱۱. _____ . (۱۳۶۸). سرود سپیده. تهران: کیهان.
۱۲. _____ . (۱۳۷۹). گزیده ادبیات معاصر. تهران: نیستان.
۱۳. _____ . (۱۳۸۸). سرودی دیگر. تهران: قلم ایران.
۱۴. سپهری، سهراب. (۱۳۸۰). هشت کتاب. تهران: پیمان.
۱۵. شکری، غالی. (۱۹۷۹). ادب‌المقاومه. ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
۱۶. فضیلت، محمود. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات پایداری. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۷. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: پالیزان.